



چالش‌ها و راهکارهای بهبود سیستم مدیریت آموزشی در نظام حقوقی ایران

امیرمحمود امینی

amirmahmoodamini@gmail.com

چکیده

در این مقاله سعی شد تا چالش‌ها و راهکارهای بهبود سیستم مدیریت آموزشی در نظام حقوقی ایران بررسی شود. در بیشتر موارد، کنترل فرآیند مدیریت آموزشی مستلزم مدیریت فعالیت‌های آموزشی مؤسسات آموزش عالی و به‌ویژه آموزش و پرورش است. سیستم مدیریت آموزشی علی‌رغم همه پیشرفت‌هایی که در سال‌های اخیر داشته، با چالش‌های متعددی مواجه است. این چالش‌ها تا حد زیادی ریشه در سیستم آموزش عالی، عدم وجود رویکردهای نظام‌مند برای آموزش الکترونیک و محدودیت‌های ساختاری اجتماعی و سیاسی دارد. بر همین اساس و بنا به ضرورت، نیاز به دوره‌های آموزشی خاصی است که حداکثر کارایی و اثربخشی را به دنبال داشته باشد و به کیفیت فعالیت‌های آموزشی کمک نماید. در واقع، تغییر ساختار مدیریت آموزشی نیاز به جست‌وجوی علل ضعف کیفیت آموزشی و توجه به تحولات جامعه جهانی، برنامه‌ریزی‌های درسی متناسب با اهداف، نیازها و توانایی‌های دانش‌آموزان، اعمال روش‌های مؤثر و نوین تدریس و ترکیبی که متناسب با جامعه فناورانه امروز باشد، مدیریت اجرایی، مقررات و تطبیق برنامه‌های آموزشی با نیازهای بازار کار برای موفق بودن تغییر ساختار آموزشی دارد. نمی‌توان به‌صورت تک‌بعدی چالش‌های مدیریت سیستم آموزشی را بررسی کرد و آن را صرفاً با نگاه بخش‌نامه‌ای و دست‌ورالعملی حل کرد؛ بلکه باید در قالب ارائه راهکارهایی که برگرفته از قوانین حقوقی و بر مبنای حقوق انسانی باشد، به این مسئله تأکید گردد.

واژه‌های کلیدی

چالش‌ها و راهکارها، سیستم مدیریت آموزشی، آموزش الکترونیک، نظام حقوقی ایران.



۱. مقدمه

نظام حقوقی جهان با تغییرات بی‌سابقه‌ای مواجه است که ناگزیر چالش‌هایی را برای وضعیت حقوقی و آموزشی ایجاد کرده است که نیاز است تا راهکارهایی برای بهبود نظام مدیریت آموزشی ارائه گردد. چراکه این تغییرات به وجود آمده بر محیط کسب و کار و زندگی افراد حقیقی و حقوقی تأثیر گذاشته است (مک فاذان، زینگرد و برچال، ۲۰۰۷). عملکرد ضعیف نظام مدیریت آموزشی در نظام حقوقی منجر به حکمرانی بهتر، مسئولیت‌پذیری و بهبود مدیریت و سیستم‌های پشتیبانی می‌شود. در حالی که تقاضاها برای بهبود در مقیاس بزرگ در سیستم‌های آموزشی در سراسر جهان افزایش می‌یابد، ساختارهای نظام آموزشی به‌طور مداوم در برآوردن این خواسته‌ها یا حتی پیشرفت‌های قابل توجهی ناکام مانده و دچار چالش‌هایی است.

امروزه اندیشمندان تعلیم و تربیت، آموزش را یک جریان پیوسته می‌دانند که از نخستین لحظه‌های حضور در دامن خانواده شروع می‌شود و با حضور در مدرسه و برخورداری از تحصیلات دانشگاهی به سیر تکاملی خود ادامه می‌دهد (فتح‌اللهی، ۲۰۱۰: ۱۶-۱۷). در حالی که سیر تحولات ۶۰۰۰ ساله آموزش و پرورش، اکنون به انبوه دانش که گاهی بلای قرن نیز نامیده می‌شود، نائل گردیده، آموزش به‌طور فزاینده‌ای اشکال مختلف به خود گرفته و نوع و چگونگی آن همگام با تغییر و تحولات نوع زندگی بشر، تحول یافته است. در جوامع پیچیده معاصر، پرورش شهروند خوب هدف اساسی تعلیم و تربیت به شمار می‌آید و اتخاذ تدابیر مختلف ایجاب می‌نماید که رویکردهای مختلف آموزش و پرورش مورد تجدیدنظر قرار گیرد (بگول^۱، ۲۰۱۰: ۱۶۴). یکی از این روش‌ها، استفاده از شیوه مدرسه در خانه است. در مورد مدرسه در خانه دو سابقه تاریخی وجود دارد. یکی با موضوعات مذهبی که به نویسندگان مشهور ریموند مور و دیگری با موضوعات ضد فرهنگی که به جان هولت بازمی‌گردد (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۹۴).

آموزش به سرعت در تمام سطوح از جمله تولید، انتشار و انتقال دانش دیجیتال می‌شود. علی‌رغم نیاز آشکار مربیان و فراگیران به اشتراک‌گذاری دانش، جالب است که انگیزه اولیه برای معرفی فناوری اطلاعات در آموزش اغلب از خود فناوری ناشی می‌شود تا نیاز آموزشی. این را می‌توان به‌عنوان «فشار فناوری» در نظر گرفت، در مقابل «کشش آموزشی» که از بیان مناسب نیازهای فعالیت‌های آموزشی و موضوعات مختلف ناشی می‌شود (اندرسون^۲ و همکاران^۳، ۲۰۰۲؛ بیکر-اولث و همکاران^۴، ۲۰۰۷). بحث فشار-کشش فناوری برای چندین دهه در تجارت و بخش عمومی غالب بوده است، اما اکنون به‌طور گسترده‌ای شناخته شده و توافق شده است که سرمایه‌گذاری‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات باید بر اساس مزایایی که به دست می‌آید توجیه شود (وارد و دانیل^۵، ۲۰۰۵: ۳۷۸). نتیجه این است که مزایای سرمایه‌گذاری فناوری اطلاعات باید به‌طور مؤثر در آموزش مدیریت شود، همان‌طور که در جاهای دیگر وجود دارد. همان‌طور که وارد و دانیل استدلال می‌کنند: در آموزش (مانند هر نوع شرکتی) کشش مهم‌تر از فشار است. مدیریت اطلاعات سود بیشتری نسبت به مدیریت فناوری اطلاعات به همراه دارد، اما، دقیقاً چه چیزی بین دستیابی به مزایای مدیریت اطلاعات خوب و فناوری پشتوانه آن قرار دارد؟ و منظور از مدیریت اطلاعات چیست؟

این‌ها سؤالاتی است که همه مدیران حتی در نظام‌های حقوقی نیز باید بپرسند. بنابراین، تعجب‌آور است که فقدان تحقیقات خاص در مورد مدیریت فناوری اطلاعات و ارتباطات در نظام حقوقی ایران، علی‌رغم این واقعیت که این زمان‌های بسیاری است که فناوری اطلاعات اهمیت پیدا کرده و تغییرات بزرگ ناشی از فناوری است، در سطوح رفتار اجتماعی احساس می‌شود. در مطالعه تحقیقات آموزشی، کلمه «مدیریت» اغلب یافت نمی‌شود. با مروری بر بسیاری از مقالات منتشر شده در ۲۰ سال گذشته، تعداد بسیار کمی از مقاله‌ها یافت می‌شود که به‌طور خاص به مدیریت فناوری اطلاعات، و چالش‌ها و راهکارهای بهبود سیستم مدیریت آموزشی در نظام حقوقی ایران پرداخته باشند. هنگامی که از مدیریت نام برده می‌شود، اغلب برای تفسیر مشکلات ایجاد شده توسط مدیریت است، گویی مدیران از دنیای واقعی تمرین آموزشی جدا هستند (بیتوی و ونتر^۵، ۲۰۱۴: ۳).

ما در قرن بیست و یکم زندگی می‌کنیم یعنی قرن فناوری اطلاعات که ظهور یک محیط مدیریتی جدید با استفاده از فضای اطلاعاتی چالش‌ها و الزامات منحصربه‌فردی را پیش روی حوزه آموزشی قرار می‌دهد. محیط مدیریت اطلاعات مبتنی بر فناوری‌های مدیریت شبکه

¹ Bagwell

² Anderson

³ Baker-Eveleth

⁴ Ward & Daniel

⁵ Bytheway & Venter



است. با توجه به الزامات جامعه مدرن، لازم به ذکر است که سیستم‌های اطلاعاتی و فناوری‌های اطلاعاتی از اجزای اصلی مدیریت فرایند آموزشی هستند. شبکه‌ها در جامعه معاصر شکل جدیدی از تعامل اجتماعی، محیط یا به عبارتی فضای فعالیت‌های مشترک و حفظ ارتباطات و ارتباطات متقابل هستند. شبکه‌ها از تبادل پویای داده‌ها و اطلاعات در میان افرادی که آن‌ها را شکل می‌دهند پشتیبانی می‌کنند. دستگاه‌ها به‌عنوان شکلی از سازمان‌دهی اجتماعی ایجاد می‌شوند که به گروهی از افراد اجازه می‌دهد منابع را افزایش دهند و در حل مشکلات مشارکت کنند. رشد اطلاعات و افزایش سرعت تبادل اطلاعات به چیزی بیش از مدیریت پایگاه داده نیاز دارد. ضرورت استفاده از راهکارهای متناسب با شرایط روز، از مواردی است که در نظام‌های حقوقی کشورها نیز مورد توجه قرار گرفته و جهت مدیریت سیستم آموزشی بدان تأکید شده‌است.

همه‌گیری بیماری کرونا در چند سال اخیر، چالش‌های بی‌سابقه‌ای را از نظر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در سراسر جهان ایجاد کرده است. بیش از یک بحران بهداشتی، منجر به یک بحران آموزشی نیز شده‌است. در طول قرنطینه، بسیاری از جمعیت دانش‌آموزی جهان تحت تأثیر قرار گرفتند (پورتال یادگیری یونسکو^۱، ۲۰۲۰). این مسئله موجب گردید تا سیستم آموزشی در پرداختن به چشم‌انداز یادگیری، دچار تغییر گردد. اختلال بیماری کرونا در سیستم آموزشی بسیار بزرگ است که دانشگاه‌ها باید در سریع‌ترین زمان ممکن با آن مقابله کنند. این فراخوان از مؤسسات آموزش عالی برای ایجاد یک سیستم یادگیری انعطاف‌پذیر با استفاده از اطلاعات مبتنی بر شواهد و نیاز است تا بتوان اقدامات قابل قبول و فعالانه را ایجاد کرد (ایلانز^۲ و همکاران، ۲۰۲۰: ۷۴). در سیستم آموزشی، توانایی غلبه بر چالش‌ها از جمله آسیب‌ها، تراژدی‌ها، بحران‌ها بسیار اهمیت دارد. سیستم آموزشی باید آماده شود تا برنامه‌هایی را برای پیشبرد و رسیدگی به وضعیت عادی جدید پس از بحران تدوین کند. در همین چارچوب و بر همین اساس، در نظام‌های حقوقی نیز و در اصول مختلف آن بر بهبود سیستم مدیریت آموزشی تأکید شده‌است. بنابراین هدف این مقاله، بررسی چالش‌ها و راهکارهای بهبود سیستم مدیریت آموزشی در نظام حقوقی ایران است.

۲. سیستم مدیریت آموزشی

مدیریت آموزشی نوعی از مدیریت است که در مراکز آموزشی به صورت مجازی برگزار می‌شود. مدیریت در مفهوم کلی و عام، از دیدگاه‌های متفاوتی تعریف شده‌است. به عبارتی، مدیر هماهنگ‌کننده و کنترل‌کننده فعالیت‌های دسته‌جمعی برای رسیدن به هدف مطلوب سازمان با حداکثر کارایی است. امروز عصر مدیریت و رهبری است و موفقیت نهادها و سازمان‌ها تا حد زیادی به کارایی و اثربخشی مدیریت بستگی دارد. ساخت نظام آموزشی هر کشوری دربرگیرنده مجموعه‌ای از نیازهای سازمان‌های رسمی آن کشور بوده و عملکرد نظام آموزش و پرورش که مدیران آموزشی اداره آن را بر عهده دارند، نه تنها از نظر پیشرفت اقتصادی و اجتماعی مهم است، بلکه از نظر تأثیری که بر تحرک شغلی و انتظارات دارد، از اهمیت تعیین‌کننده‌ای برخوردار است. همچنین آموزش و پرورش، بهترین وسیله برای ایجاد تغییر ارزش‌ها و رفتارها به شمار رفته و باعث می‌شود که افراد به تناسب استعداد و رغبتی که دارند برای انجام خدمات‌های اجتماعی و اقتصادی و کسب مشاغل و در نتیجه آسایش فردی مهیا شوند. از این رو، از آغاز قرن اخیر، هیچ کشوری بدون توسعه در مؤسسات آموزشی و مدیران آموزشی تحصیل کرده و مجرب، مراحل توسعه و پیشرفت را طی نکرده‌است. از آنجایی که موضوع اصلی این نوشتار، حق و آزادی مدیریت آموزشی در نظام حقوقی می‌باشد، لازم است در ابتدا مفهوم این دو امر مورد بررسی قرار گیرد و شاخص‌های آن‌ها تبیین شود. می‌توان حقوق و آزادی‌ها را به چندگونه تقسیم‌بندی کرد. نگاه سنتی آن‌ها را به آزادی‌های فردی و آزادی‌های جمعی بخش‌بندی می‌نماید (عباسی، ۱۳۸۸: ۳۶۳). به‌طور کلی حقوق و آزادی‌های فردی را در چهار نسل تقسیم‌بندی می‌کنند. حقوق نسل دوم که عموماً پس از جنگ جهانی دوم در میانه سده بیستم مورد پذیرش قرار گرفته‌اند به حقوق فردی و جمعی، حقوق مطالبه از دولت یعنی حقوقی که به شخص حق درخواست بهره‌گیری از آن‌ها از دولت را می‌بخشد اضافه شدند. بنابراین، برای حمایت از این حقوق و تحقق آن‌ها نه تنها دولت نباید خود را کنار بکشد، بلکه موظف به فراهم آوردن زمینه استفاده از آن‌هاست. این حقوق را می‌توان شامل حق برخورداری از آموزش و پرورش، سلامت و بهداشت، کار، تأمین اجتماعی، حمایت اجتماعی، تفریحات و سرگرمی‌ها و غیره دانست (عباسی، ۱۳۸۸: ۳۶۳).

¹ UNESCO Learning Portal

² Illanes



۳۶۴). حق آموزش به این معناست که اعضای یک جامعه حق دارند از امکانات آموزش برخوردار و این نیازمند سیستم مدیریت آموزشی است. این حق دارای ویژگی‌هایی است:

الف) اجباری بودن: به این معنا که حق آموزش و پرورش ایجاب می‌کند که مردم در سنین معین و مختلف و برای مدت مشخص تحت آموزش و پرورش قرار گیرند (قاضی، ۱۳۸۸: ۶۶۲). اجباری بودن حق مذکور نیز خود محل مناقشه است. مخالفان چنین استدلال می‌کنند که اجباری دانستن این حق خود مغایر با حقوق و آزادی‌های فردی است. ب) سیستم حقوقی تا سطوح مشخصی باید رایگان باشد. پس ویژگی دوم، اصل رایگان بودن سیستم حقوقی است. معمولاً بودن آموزش و حق اعضای جامعه در برخورداری از امکانات آموزشی این تکلیف را برای دولت به همراه دارد که آموزشی مناسب، با کیفیت و رایگان برای اعضای جامعه ارائه دهد. ج) حق آموزش از جمله حقوق بشر است و در زمره حقوق اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرد. شاخص‌های این حق عبارتند از: آزادی آموزش، آموزش در سطوح بالاتر، مسئولیت فراهم آوری آموزش در سطوح مبنایی برای کسانی که آموزش ابتدایی را به صورت کامل نگذرانده‌اند، جلوگیری از تبعیض در امر آموزش، آموزش ابتدایی اجباری برای همگان و الزام به توسعه دسترسی مساوی به امکانات آموزشی از حداقل‌ها در این زمینه است (رحمت الهی و دانش ناری، ۱۳۹۳: ۴).

آزادی آموزش از جمله زیرشاخه‌های آزادی اندیشه است. آزادی اندیشه اقتضای آن را دارد که افراد و گروه‌های مختلف آزادانه افکار و عقاید خود را بیان کنند. آزادی آموزش به معنای تعلیم و آموزش دادن و آزادی تعلیم و آموزش دیدن می‌باشد. مواد ۲۶ و ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر حق آموزش و پرورش را برای افراد به رسمیت می‌شناسد. بند ۴ ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز مقرر می‌دارد: دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که آزادی والدین و برحسب مورد سرپرستان قانونی کودکان را در تأمین آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق معتقدات خودشان محترم دارند. ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز به حق برخورداری هر شخص از آموزش اشاره دارد: ۱- کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند. کشورهای مذکور موافقت دارند که هدف آموزش و پرورش باید نمو کامل شخصیت انسانی و اساس حیثیت آن و تقویت احترام حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی باشد. علاوه بر این، کشورهای طرف میثاق موافقت دارند که آموزش و پرورش کلیه افراد را برای ایفای نقش سودمند در یک جامعه آزاد آماده سازد و موجبات تفاهم و تساهل و دوستی بین کلیه ملل و کلیه گروه‌های نژادی، قومی یا مذهبی را فراهم آورد و توسعه فعالیت‌های سازمان ملل متحد را به منظور حفظ صلح تشویق نماید. درواقع، تحقق این نوع از آزادی موجب رشد و توسعه افکار می‌شود. محتوای این آزادی همچنین کنوانسیون حقوق کودک مصوب سال ۱۹۹۰ آزادی اشخاص حقیقی و حقوقی را در ایجاد و هدایت مؤسسات آموزشی پذیرفته است (عباسی، ۱۳۹۰: ۱۷۱-۱۷۲).

دیدگاه‌ها و نظریات موجود در تبیین رابطه آموزش و پرورش و جامعه طیفی از تفسیرها را دربرمی‌گیرد که محافظه‌کاری مطلق یا نوعی انتقادگرایی محض و تقابل و تضاد در رابطه مذکور را شامل می‌شود. کسانی چون امیل دورکیم قائل بودند که نقش اساسی آموزش و پرورش وارد کردن و جای دادن هر فرد در نظام اجتماعی است و کارکرد اساسی این نهاد حفظ ثبات جامعه و اجتماعی کردن فرد است. در مقابل اندیشمندان طرفدار نظریه‌های تضاد در تبیین نقش و جایگاه آموزش و پرورش رسمی در نظام‌های اجتماعی، آن را به‌عنوان ابزاری برای اعمال منافع طبقات حاکم جامعه برمی‌شمارند. بر این اساس آموزش و پرورش ابزاری است که به‌وسیله آن می‌توان افراد مورد انتظار و مورد نیاز جامعه را براساس میل و مصلحت طبقات و گروه‌های مسلط پرورش داد (اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۱۴). پذیرش هر یک از دو رویکرد درباره آموزش از دید حقوقی دارای آثار و نتایج متفاوتی است. پذیرش دیدگاه محافظه‌گرایانه این نتیجه را به همراه دارد که آزادی آموزش تا حدی محدود شده و دولت‌ها به فرض پذیرش آموزش خصوصی آن را در جهت توجیه سیاست‌های خود قرار می‌دهند. پذیرش نظریه‌های تضاد درباره آزادی آموزش این نتیجه را به همراه دارد که همواره آموزش دولتی لزوماً بهترین و مناسب‌ترین گزینه نیست. در این دیدگاه جامعه شناسان معتقدند که آموزش دولتی افراد را صرفاً مطیع و توجیه‌کننده سیاست‌های دولت حاکم بار می‌آورد. نظارت مردمی از طریق اطلاع و پیگیری یک سازوکار مناسب نظارتی است که نیازمند آموزش مناسب افراد یک جامعه است. باید توجه داشت که محتوای آموزش در هر جامعه‌ای با توجه به نرم‌های خاص آن جامعه صورت می‌گیرد. معیارهایی چون اخلاق، عرف‌ها، ارزش‌ها و باورهای جامعه از مواردی هستند که نظام آموزشی به‌ویژه سیستم نظام حقوقی در ایران، باید بر آن‌ها منطبق باشند و در همین چارچوب سعی نماید چالش‌های موجود را رفع نماید.



۳. تحول در سیستم مدیریت آموزشی با ابزارهای حقوقی

در محیط‌های آموزشی که برای تعالی و برابری در نتایج آموزشی تلاش می‌کنند، تضمین برابری در تجربیات آموزشی، امری حیاتی است. برای رهبران مدارس محلی، کار سیاسی و اداری مدارس دولتی انبوه ادامه می‌یابد، اگرچه با افزایش ناهماهنگی در محیط‌های آموزشی پیچیده می‌شود، که با مفاهیم مختلف برتری و برابری در میان ذی‌نفعان محلی تلاقی می‌کند، و با مسئولیت‌پذیری شخصی در قبال مسئولیت‌های آموزشی که بسیاری از مدت‌ها پیش داشتند، مرتبط است. در واقع، در محیط‌های آموزشی به‌عنوان نوعی واقعیت عینی، خدمات به‌طور یکسان ارائه نمی‌شوند، و همچنین معلمان، خانواده‌ها و اعضای جامعه به اولویت‌ها و برنامه‌های تعیین‌شده در آن محیط‌ها به روش‌های مشابهی توجه نمی‌کنند. درحالی‌که وظیفه اساسی مدیران و متصدیان اداره حکومت، ایجاد محلی دارای انسجام و ترسیم مسیرهای امیدوارکننده به جلو است. حمایت از استفاده از زیرساخت‌های آموزشی در عمل با توسعه دانش و قابلیت‌های حرفه‌ای معلمان از طریق ابزارهایی مانند کارگاه‌های آموزشی، مربی‌گری و راهنمایی مبتنی بر تمرین، و یادگیری دانشگاهی در ارتباط است (کوهن^۱، ۲۰۱۱: ۱۲۱). یک سیستم آموزشی مدیریتی با یک رویکرد آموزشی استاندارد مشخص می‌شود که توسط دفتر مرکزی توسعه یافته و به‌طور مداوم در سطح منطقه اداره می‌شود. تئوری عمل این است که استفاده مداوم و در سطح منطقه از یک رویکرد آموزشی با کیفیت بالا به‌طور متوسط فرصت‌ها و نتایج آموزشی را بهبود می‌بخشد و درعین‌حال اختلاف بین مدارس و کلاس‌های درس را نیز کاهش می‌دهد. یک سیستم آموزشی مدیریتی مطابق با راهبردهایی برای سازمان‌دهی و مدیریت آموزش عمل می‌کند که دارای روابط نقش سلسله‌مراتبی و کنترل‌های روبه‌ای کار است (تروخیلو^۲، ۲۰۱۴: ۲۰۹).

در یک سیستم مدیریت آموزشی، مسئولیت اصلی ایجاد زیرساخت‌های آموزشی بر عهده دفتر مرکزی است. طراحی چشم‌انداز آموزشی، توسعه یا به دست آوردن منابع رسمی که راهنمایی دقیق برای تمرین ارائه می‌کند (با شواهد اثربخشی پشتیبانی می‌شود). این فعالیت‌ها به رهبری آموزشی دفتر مرکزی بر طراحی آموزشی، توسعه حرفه‌ای و ارزیابی و ارزیابی نیاز دارد. گستردگی رهبری آموزشی در دفتر مرکزی دامنه رهبری آموزشی در مدارس را محدود می‌کند و مدیران (همراه با همکاران و دستیاران آن‌ها) به‌عنوان عوامل دفتر مرکزی در اداره زیرساخت‌های آموزشی طراحی شده متمرکز عمل می‌کنند. تمرکز اصلی مدیران مدارس حمایت از استفاده از زیرساخت‌های آموزشی توسعه‌یافته متمرکز در عمل است، با مدیریت عملکرد که دوباره بر استفاده صادقانه و نتایج نهایی متمرکز است. زیرساخت‌سازی و مدیریت زیست‌محیطی بر پرورش تفاهم و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و طرح‌های دفتر مرکزی در میان معلمان، خانواده‌ها و اعضای جامعه متمرکز دارد. الگوی فعالیت‌هایی که یک سیستم آموزشی مدیریتی را مشخص می‌کند، ابتدا از بررسی گزارش‌ها و انتقادات ما از تلاش‌های طراحی مجدد در مناطق مدارس دولتی شهری در آغاز استانداردها و مسئولیت‌پذیری پدیدار شده است (راویچ^۳، ۲۰۱۰: ۳۶). این الگو همچنین در گزارش‌های مربوط به مناطق شهری در حال گذار به برنامه‌های درسی استاندارد شده همراه با ارزیابی‌های پرمخاطره مشهود بود و در گزارش‌های شبکه‌های مدارس منشور که دارای چشم‌اندازهای آموزشی استاندارد شده هستند، امکان انطباق در سطح مدرسه وجود ندارد (پوراک^۴ و همکاران، ۲۰۱۹: ۲۲). تلاش برای تقویت حرفه‌ای و بهبود دسترسی به عدالت برای همه منجر به پذیرش آموزش حقوقی نظام‌های حقوقی شده است.

۴. چالش‌های بهبود سیستم مدیریت آموزشی در نظام حقوقی ایران

سال‌هاست که در دنیا، سیستم مدیریت آموزشی یک‌طرفه برچیده شده‌است و دانش‌آموزان نقش اصلی را در یادگیری ایفا می‌نمایند. اما در مدارس کشور ما، همچنان کلید آموزش در دست معلمان است. برنامه درسی از سوی نظام آموزشی دیکته می‌شود، معلم آن را دیکته می‌کند و دانش‌آموزان نیز آن را می‌نویسند و به خاطر می‌سپارند. در نتیجه ابتکار و تحولی که کودکان با فکری آزاد در کلاس‌های درس حاضر شده و با روحیه‌ای بالا به آموزش و پرسش‌گری بپردازد، کاهش می‌یابد. از جمله مشکلات که در سیستم آموزشی ایران کاملاً محسوس است عبارت است از: ساعات طولانی آموزش، کلاس‌های درسی خشک و بی‌روح، تعداد زیاد دانش‌آموزان، ضعف امکانات، استفاده

¹ Cohen

² Trujillo

³ Ravitch

⁴ Peurach



از سیستم کتبی خواندن و نوشتن و حفظ کردن و عدم ماندگاری مطالب و اشکالات فراوان در طراحی ساختمان مدارس. همچنین معلمان و مجریان امر آموزش، بیش از آن که عمل کنند حرف می‌زنند؛ و به جای این که چگونه یادگرفتن و اندیشیدن را به دانش‌آموزان بیاموزند با روش‌های قالبی و برنامه‌های فشرده، امکان یادگیری بانگیزه را از آنان گرفته‌اند. از نظر آن‌ها، محیط آموزشی خانه جایی برای معلم محوری ندارد؛ زیرا محور اصلی آموزش‌ها، علایق و نیازهای خاص دانش‌آموز است (شکوهی یکتا و پرنده، ۲۰۰۷: ۱۰)؛ و آموزش‌ها در یک مسیر محققانه اصلاح می‌گردد (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۹۷).

ویژگی‌هایی که یک نظام آموزشی سالم مبتنی بر قواعد و قوانین حقوقی مطلوب باید داشته باشد:

الف) افزایش رقابت. تغییرات در نظام حقوقی در حوزه رقابت شامل افزایش رقابت از سوی اشخاص تازه‌وارد و مشاوران داخلی، جهانی‌شدن، ادغام از طریق ادغام و تملک است. به‌عنوان مثال، فشارهای رقابتی تجارت در حال حاضر بر شرکت‌های حقوقی اعمال می‌شود و وکلای نمی‌توانند مانند گذشته فکر کنند. صنعت حقوقی نیز به دلیل جهانی‌شدن و رشد بازار شرکت‌های حقوقی بین‌المللی شاهد افزایش رقابت است. سایر منابع رقابت شراکت و همچنین ادغام و تملک است. فناوری و دسترسی بیشتر به اطلاعات نیز رقابت جدیدی را ایجاد کرده است که طبیعتاً نیازمند قوانین و مدیریت سیستم آموزشی جدید است (Evans & Price, 2017: 3). چنان‌که مشخص است، یکی از چالش‌های بهبود سیستم مدیریت آموزشی، بحث افزایش رقابت است.

ب) دقیق بودن مخاطب. یکی از مهم‌ترین تغییرات علم حقوقی این است که مخاطبان آن آگاه‌تر و مطالبه‌گرا تر هستند. مخاطبان در کاری که می‌خواهند انجام دهند بسیار دقیق هستند؛ چراکه دسترسی به اطلاعات برای آن‌ها افزایش یافته‌است. بنابراین، سیستم مدیریت آموزشی در نظام حقوقی باید بسیار کارآمد باشد و با ارائه خدمات مناسب، پیچیدگی‌های کنونی را حل نماید (Evans & Price, 2017: 4). آموزش مجازی بستر مناسبی برای ادامه آموزش تحصیلی دانش‌آموزان شده، اما ضعف زیرساخت‌های آموزش مجازی مشکلات فراوانی از قبیل، قطع و وصل شدن اینترنت، عدم دسترسی برخی دانش‌آموزان به تلفن همراه، عدم امکان دسترسی برخی مناطق به خط تلفن و اینترنت برای معلمان و دانش‌آموزان را ایجاد کرده است و همین امر به نابرابری فرصت‌های آموزشی دامن زده‌است. بالا بردن سطح کیفی مدارس دولتی و حرکت به سمت عدالت آموزشی از چالش‌های پیش روی سیستم آموزشی کشور است. کیفیت اینترنت و پاسخ‌گویی سیستم بر رضایت و سهولت کاربردی ادراک شده نیز تاثیر به‌سزایی در بهبود نظام آموزش دارد.

ج) برابری در امر آموزش. در نظام آموزشی فعلی هر دانش‌آموز بدون نیاز نظام‌مند به دیگری باید بتواند فرایند یادگیری را سپری کرده و در پایان هر مرحله از این فرایند مورد ارزیابی انفرادی قرار گیرد. در این نظام جز ساعات اندک مربوط به بازی و ورزش که در شرایط کرونایی امروز به ورطه فراموشی سپرده شده‌است، دانش‌آموزان در هیچ کار گروهی نظام‌مندی شرکت ندارند و به‌هیچ‌وجه برای کارهای مشارکتی و جمعی آموزش نمی‌بینند. مهم‌ترین سطح یادگیری در این نظام، دانش است که صرفاً بر توانایی حافظه افراد تکیه دارد. البته شاید به نظر برسد که در بخشی از فرایند یادگیری به‌خصوص در پایان هر مرحله و در بخش ارزیابی به سایر سطوح یادگیری مانند «درک»، «فهم»، «کاربرد تجزیه و تحلیل» و «نوآوری» نیز توجه می‌شود، اما فقط با کمی دقت معلوم می‌شود که از سایر سطوح جز نام چیز دیگری مشاهده نمی‌شود، زیرا فهم صحیح و موردپذیرش در این نظام همان فهمی است که به دانش‌آموزان آموزش داده شده‌است و تجزیه و تحلیل هر موضوع آنگاه صحیح است که منطبق بر نظر معلم باشد. به‌عبارت‌دیگر، دانش‌آموزان سایر سطوح یادگیری را نیز هم‌چون سطح دانش فراگرفته و به حافظه خود می‌سپارند. از این‌رو، هرچه دانش‌آموزان توان تقلید بیشتر از معلم خود را داشته باشند از امتیاز بیشتری برخوردار می‌شوند و به‌عنوان فرد موفق به جامعه معرفی می‌شوند که امری غلط است.

د) به‌روز بودن فناوری. توسعه فناوری‌هایی مانند اینترنت، رسانه‌های اجتماعی، هوش مصنوعی و ابزارهای مدیریت دانش، چشم‌انداز کسب‌وکار را که شرکت‌های حقوقی در آن فعالیت می‌کنند، تغییر داده‌است. مانند بسیاری از صنایع دیگر، حرفه حقوقی از افزایش اطلاعات رنج می‌برد، که اگر مدیریت نشود، بار اداری قابل‌توجهی ایجاد می‌کند. ما مشغول کاغذبازی اداری هستیم، این باید تغییر کند و ما باید به‌صورت الکترونیکی کار کنیم تا بتوانیم سریع‌تر کار کنیم و برای انجام کارهای دیگر صرفه‌جویی کنیم (Evans & Price, 2017: 4). در نظام آموزشی فعلی دانش‌آموزان در شکل‌گیری هنجارها، تصمیمات و برنامه‌های مدرسه هیچ تأثیری که ناشی از نقش فعال آن‌ها باشد، ندارند. همچنین جز انجام کارهای فردی که حتی آن را نیز خود تعریف نمی‌کنند، مسئولیت دیگری ندارند و مسئولیت‌پذیری را فراموشی می‌گیرند. در ساختار آموزشی فعلی، معلم در کلاس درس برای دانش‌آموزان صرفاً یک نقش آموزشی نیست، بلکه وی رئیس کلاس نیز هست، از این‌رو کلام و نظر معلم پیش و بیش از محتوای علمی حکم‌فصل‌الخطاب دارد؛ به‌عبارت‌دیگر بیش و پیش از اینکه استدلال معلم



بیانگر درستی کلام او باشد، جایگاه او چنین نقشی را ایفا می‌کند و به همین ترتیب جایگاه مدیر در مدرسه پیش از ارائه استدلال، کلامش را فصل الخطاب می‌سازد. با توجه به تمامی معایب و چالش‌های موجود در سیستم مدیریت آموزشی، نیاز به تغییری به گستردگی ابعاد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در این سیستم داریم. این تغییر و تحول در حد وزارت آموزش و پرورش نیست، بلکه در حد همه سازمان‌ها و نهادهای کشور است. مسلماً اگر طراحی تغییر نظام آموزشی، همگام با تغییر مستقیم در نظام‌های اداری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کشور نباشد، قطعاً نتیجه‌بخش نخواهد بود.

۵. راهکارهای بهبود سیستم مدیریت آموزشی در نظام حقوقی ایران

افراد جامعه دارای نیازها و مشکلات ویژه‌ای می‌باشند که نیازمند است تا شیوه‌نامه‌ها و آموزش‌های ارائه‌شده توسط سیستم حقوقی، منطبق با نیازهای جدید باشد. از این طریق است که زمینه برخورداری مردم از فرصت‌ها و امکانات مناسب جهت بهره‌گیری مفید و سازنده فراهم می‌گردد. اصل ۱۹ قانون اساسی با اشاره به برخورداری همه مردم ایران از حقوق مساوی و در نظر نداشتن هیچ مدرکی به‌عنوان عامل امتیاز این حق را به رسمیت شناخته است که همه مردم باید از حقوق مساوی برخوردار باشند. در همین راستا، اصل ۱۴ قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی را موظف نموده است که نسبت به افراد جامعه با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی رفتار نماید و حقوق انسانی آن‌ها را رعایت نماید. بنابراین، باید زمینه‌ای فراهم گردد که سیستم مدیریت آموزشی نظام حقوقی، شرایطی را فراهم آورد که مردم به‌طور مساوی از حقوق یکسان برخوردار باشند. پس تسهیل آموزش و برخورداری از امکانات و مساعدت برای دسترسی به آموزش عالی برای همه مردم از جمله اولویت‌هایی است که باید مدنظر سیستم آموزشی باشد و در دستور کار بهبود سیستم مدیریت آموزشی قرار گیرد. در همین راستا، اصل سوم قانون اساسی بر آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، و تسهیل و تعمیم آموزش عالی تأکید دارد. از سوی دیگر، اصل سی‌ام قانون اساسی تصریح می‌کند: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد». باین‌وجود، طی چهار دهه اخیر تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی در مردادماه سال ۱۳۶۱، تأسیس موسسات آموزش عالی غیردولتی و غیرانتفاعی در خرداد ۱۳۶۴ و تأسیس دانشگاه پیام نور در سال ۱۳۶۷ را می‌توان عقب‌نشینی دولت‌های مختلف از انجام وظایف مصرح خود در این مواد قانون اساسی دانست و مهم‌ترین گام به‌سوی اخذ شهریه و پولی شدن آموزش عالی دولتی با تبصره ۴۸ قانون برنامه اول توسعه مصوب سال ۱۳۶۸ تحقق یافت.

بر طبق این تبصره، «دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی می‌توانند در طول اجرای برنامه دوره‌های شبانه و دوره‌های خاص، تأسیس و هزینه‌های سرانه شبانه را با تأیید وزارتخانه‌های فرهنگ و آموزش عالی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی حسب مورد از داوطلبان به تحصیل وصول و وجوه حاصل‌شده را به خزانه‌داری کل واریز و معادل آن را از محل ردیفی که به همین منظور در بودجه سالیانه منظور می‌گردد، دریافت و صرف هزینه‌های مربوط دانشگاه کنند». همین اختیار در تبصره ۸۷ قانون برنامه دوم مصوب سال ۱۳۷۳ و ماده ۱۵۲ قانون برنامه سوم مصوب سال ۱۳۷۹ نیز دوباره تکرار شد و در بند «ب» ماده ۵۰ قانون برنامه چهارم مصوب سال ۱۳۸۳ نیز به شرح ذیل گسترش یافت: «به‌منظور دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی و ارتقای پوشش جمعیت دانشجویی (نسبت جمعیت دانشجویی به جمعیت ۱۸ تا ۲۴ سال) به ۳۰ درصد تا پایان برنامه چهارم، به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی اجازه داده می‌شود از طریق تنوع‌بخشی به شیوه‌های ارائه آموزش عالی نسبت به برگزاری دوره‌های تحصیلی از قبیل شبانه، نوبت دوم، از راه دور (نیمه‌حضور)، آموزش‌های مجازی، دوره‌های مشترک با دانشگاه‌های معتبر خارجی و دوره‌های خاص اقدام کرده و هزینه‌های مربوط را با تأیید وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی حسب مورد از داوطلبان اخذ و به‌حساب درآمد اختصاصی دانشگاه‌ها واریز کنند».

در مورد خصوصی‌سازی آموزش عمومی، مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۳ با اجرای طرح واگذاری مدارس به بخش خصوصی مخالفت کرد و به دلیل مغایرت آن با قانون اساسی جلوی آن را گرفت؛ اما بندی از لایحه برنامه ششم توسعه بر این امر تأکید دارد و وزارت آموزش و پرورش نیز بر اجرای آن مُصر است. نگاهی به لایحه برنامه ششم توسعه مشخص می‌کند که طرح ویژه دولت برای آموزش و پرورش، واگذاری مدارس دولتی به بخش خصوصی است و استدلال اصلی برای این اقدام «ارتقای کیفیت آموزشی و بهره‌وری» عنوان شده‌است. در این برنامه تنها در بند ۱ تبصره ۲۳ به آموزش و پرورش اشاره شده که: «وزارت آموزش و پرورش مجاز است در جهت



ارتقای کیفیت آموزشی و بهره‌وری نسبت به خرید خدمت از بخش خصوصی و تعاونی اقدام کند. ارائه خدمات آموزشی در این‌گونه مدارس با استفاده از نیروی انسانی، تجهیزات و امکانات بخش خصوصی و تعاونی و یا با مشارکت در استفاده از امکانات و تجهیزات بخش دولتی و نیروی انسانی خصوصی و تعاونی بر اساس ضوابطی که به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد، صورت می‌گیرد. آموزش عمومی دولتی در طول سال‌های برنامه ششم رایگان است». همچنین بند ۸ تبصره ۹ برنامه ششم توسعه، دست دولت را برای خصوصی‌سازی آموزش عالی باز گذاشته است. در این بند آمده است: «به‌منظور انسجام‌بخشی به‌نظام آموزش عالی کشور و ارتقای سطح علمی دانشگاه‌ها و بهره‌وری بر اساس اقتصاد مقاومتی، وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بر اساس شاخص‌هایی نظیر جمعیت، سابقه تأسیسی و مختصات جغرافیایی، موظفانند نسبت به ادغام ساختار و بودجه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و یا واگذاری آن‌ها به بخش غیردولتی با تصویب شورای عالی اداری تا پایان سال اول برنامه اقدام کنند. حداکثر تعداد واحدهای دانشگاهی در هر استان به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد. تمامی واحدهای دانشگاه‌های علمی-کاربردی وابسته به دستگاه‌های اجرایی و ۵۰ درصد واحدهای دانشگاه پیام نور تا پایان سال دوم قانون برنامه ششم منحل و یا به بخش خصوصی واگذار می‌شود». از سوی دیگر، رئیس‌جمهور در نخستین اجلاس فعالان اقتصادی غیردولتی مورخ ۲۹ دی‌ماه ۱۳۹۴، با تأکید بر کاهش حجم دولت، واگذاری آموزش و بهداشت به بخش خصوصی را از جمله برنامه‌های جدی و آتی دولت عنوان کرد.

ارزیابی عملکرد آموزشی دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی و مدیران آموزشی واحدهای مختلف در هر نیم‌سال و انعکاس آن به ریاست دانشگاه و اعلام نتیجه ارزیابی به اعضای هیئت‌علمی؛ نظارت بر حسن اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی هر دانشکده و ارزیابی آن؛ ارائه گزارش لازم به هیئت‌رئیس؛ برنامه‌ریزی برای گسترش و تعمیق ارزش‌های اسلامی و انقلابی در همه سطوح دانشگاهی؛ بررسی روش‌های همکاری با مؤسسات دولتی و غیردولتی و تدوین ضوابط برای آن؛ هماهنگ ساختن زمان تعلیم و تحقیق در دانشگاه؛ بررسی و تدوین و پیشنهاد برنامه‌های پژوهشی به‌منظور شناخت هر چه بیشتر جهان دانش؛ پیشنهاد تغییرات لازم در نحوه اجرای برنامه‌های درسی در چهارچوب ضوابط مصوب؛ اظهارنظر درباره ساعات تدریس و تحقیق اعضای گروه؛ تجدیدنظر مستمر در برنامه‌ها با توجه به آخرین پیشرفت‌ها و تغییرات و تحولات و تسلیم این برنامه‌ها به مراجع ذی‌ربط از جمله راهکارهایی است که در آیین‌نامه مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی مصوب سال ۱۳۷۰ بدان تأکید شده است.

یکی از عوامل اصلی و تأثیرگذار در فرآیند آموزش و پرورش معلم است که باید در برنامه‌ریزی آموزشی جایگاه ویژه‌ای به او اختصاص داده شود. نیازمندی‌های اقتصادی و رفاهی معلمان باید حل شود و معلم بتواند با فراغ بال و خیال آسوده به تدریس بپردازد. شایسته نیست معلم که منشأ تربیت و سرچشمه آموزش و پرورش استعدادهای فرزندان یک مملکت است از نظر اقتصادی و اجتماعی در جایگاه پایینی قرار گیرد. برنامه‌ریزی نظام آموزشی و رفاهی معلمان باید به‌گونه‌ای باشد که از بالاترین درجه رفاه و احترام اجتماعی برخوردار شود و همگان خود را ملزم به احترام به او بدانند. البته در این صورت هرکسی نخواهد توانست به کسوت معلمی درآید و شخص باید شرایط و توان خاص حرفه شریف و حساس معلمی را داشته باشد تا بتواند داوطلب استخدام در آموزش و پرورش شود. نظام آموزشی زمانی از کارایی مطلوب برخوردار خواهد بود که معلمان رضایت شغلی داشته باشند و رسیدن به چنین وضعیتی مستلزم توجه ویژه به شرایط کاری، رفاهی و مالی معلمان و حفظ شأن و جایگاه شامخ معلمی است. نامناسب بودن شرایط معیشتی و رفاهی معلمان، تبعیض در نظام پرداخت فرهنگیان در کنار سرانه آموزشی ناچیز مدارس و همچنین بی‌انگیزگی دانش‌آموزان شرایط کاری معلمان را بسیار بغرنج کرده است. آنان از طریق اعتراض مسالمت‌آمیز و اعتصاب صنفی خواستار بهبود شرایط کاری خود، رفع تبعیض و توجه ویژه دولت‌ها به نقش معلم و مدرسه هستند. در جوامع امروز، آموزش یکی از محرک‌های اصلی تحرک اجتماعی صعودی است و نسل‌های مختلف به‌واسطه برخوردار از آموزش بهتر می‌توانند فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی بهتری را کسب کرده و از تله فقر و نابرابری رهایی یابند. دولت موظف به ایجاد بستر مناسب برای این خدمت اجتماعی به شهروندان است و طبیعی است چنانچه در این مسیر محدودیت‌های مالی و اقتصادی شهروندان، مانع از برخوردار از آموزش مناسب شود، این فرصت بالقوه به‌مثابه تهدیدی بالفعل بر زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. چنان‌که در متن قوانین نیز به این مسئله تأکید شده است.



نتیجه گیری

یک سیستم مدیریت آموزشی قدرتمند نیازمند شناخت چالش‌ها و ارائه راهکارها برای رفع چالش‌های موجود است؛ چراکه این سیستم مدیریت اجرایی برنامه‌های آموزشی را در درون یک سازمان تسهیل می‌کند. همچنین این سیستم فراگیران را قادر می‌سازد که به همکاری و مشارکت با فراگیران هم‌تراز از خود بپردازند. محتوای آموزش، محصول تولیدشده سیستم مدیریت یادگیری می‌باشد که یک عامل حیاتی در موفقیت در راستای رضایت یادگیرنده است. هر سیستم آموزشی اگر در زمان پاسخ‌گویی ضعیف عمل نماید، نظامی نخواهد بود که ادراک از سودمندی یا سهولت کاربردی را داشته‌باشد. امروزه با توجه به توسعه نظریه سرمایه‌گذاری در منابع انسانی، توجه و تأکید بر آموزش نیروهای انسانی به‌عنوان رکن اصلی توسعه سازمان‌ها، در اولویت اول برنامه‌ریزی و مدیریت سازمان قرار گرفته‌است. امروزه بحث ضرورت یا اولویت مدیریت سیستم آموزشی و بیان اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت آن در تحقق اهداف سازمان‌ها، بحثی اثبات شده و بی‌نیاز از استدلال است. چراکه آموزش به‌عنوان مؤثرترین اهرم و عامل همواره در ارتقا بهره‌وری و افزایش کارایی نیروی انسانی و سازمانی از اهمیت خاصی برخوردار است. آموزش می‌تواند در کسب تجربه و بهبود عملکرد افراد در سازمان‌ها و آموزشگاه‌ها مؤثر باشد. بر همین اساس، نیاز به دوره‌های آموزشی خاصی است که حداکثر کارایی و اثربخشی را به دنبال داشته‌باشد و به کیفیت فعالیت‌های آموزشی کمک نماید. از همین رو، شناخت چالش‌ها و راهکارهای بهبود سیستم مدیریت آموزشی دارای اهمیت است. تلاش است تا با توجه به نظام حقوقی در ایران به این مسئله پرداخته شود. برنامه‌ریزی نادرست آموزشی و درسی، محتوای ناکارآمد درسی، فضای آموزشی ناکافی، کمبود نیروی انسانی، عدم درک مفاهیم علمی و افت تحصیلی، عدم موفقیت خودمحوری و بی‌توجهی به مشارکت جمعی در یادگیری، حافظه محوری، مدرک‌گرایی، بی‌تأثیری و بی‌مسئولیتی دانش‌آموزان در دستیابی به اهداف آموزشی کیفی را می‌توان دلایل اصلی برای تغییر نظام و ساختار آموزشی به حساب آورد که در قوانین و اصول نظام حقوقی کشور مانند قانون اساسی، آیین‌نامه مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی مصوب سال ۱۳۷۰ بدان تأکید شده‌است. تغییر ساختار آموزشی نیاز به جست‌وجوی علل ضعف کیفیت آموزشی و توجه به تحولات جامعه جهانی، برنامه‌ریزی‌های درسی متناسب با اهداف، نیازها و توانایی‌های دانش‌آموزان، اعمال روش‌های مؤثر و نوین تدریس و ترکیبی که متناسب با جامعه تکنولوژیکی امروز باشد، مدیریت اجرایی، مقررات و تطبیق برنامه‌های آموزشی با نیازهای بازار کار برای موفق بودن تغییر ساختار آموزشی دارد. درنهایت نمی‌توان به‌صورت تک‌بعدی مشکلات و چالش مدیریت سیستم آموزشی را بررسی کرد و آن را صرفاً با نگاه بخش‌نامه‌ای و دستورالعملی حل کرد. اتخاذ هر تصمیمی از این جنس قطعاً یا کوتاه‌مدت نتیجه می‌دهد و یا بدون نتیجه مطلوب خواهد بود.



منابع

- اسماعیلی، اردشیر، ۱۳۸۹. مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- رحمت الهی، حسین؛ دانش ناری، زهرا، ۱۳۹۳. «حق و آزادی آموزش و پرورش»، دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۳ (۷): ۵۳-۷۰.
- سلیمانی، بهاره؛ عسگری، مجید؛ حسینی خواه، علی؛ عطاران، محمد، ۱۳۹۷. «مدرسه در خانه، حلقه مفقوده در نظام آموزشی ایران»، تدریس پژوهی، ۶ (۴): ۱۸۹-۲۰۸.
- عباسی، بیژن، ۱۳۸۸. مبانی حقوق اساسی، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
- عباسی، بیژن، ۱۳۹۰. حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر.
- قاضی، ابوالفضل، ۱۳۸۸. حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- Anderson, J., Van Weert, T., Buettner, Y., Duchâteau, C. & Fulford, C., 2002, Information and communication technology: A curriculum for schools and programme of teacher development, UNESCO, France.
- Bagwell, J. N. 2010. The Academic Success of Homeschooled Students in a South Carolina Technical College, University of Nebraska – Lincoln.
- Baker-Eveleth, L., Eveleth, D.M., O'Neill, M. & Stone, R.W., 2007, 'Enabling laptop exams using secure software: Applying the technology acceptance model', Journal of Information Systems Education 78, 413-420.
- Bytheway, Andy & Venter, Isabella, 2014. Strategies for information management in education: Some international experience, SA Journal of Information Management 16 (1): 1-17. <https://DOI:10.4102/sajim.v16i1.596>
- Cohen, D. K. 2011. Teaching and its predicaments. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Evans, Nina & Price, James, 2017. Managing information in law firms: changes and challenges, published quarterly by the university of borås, sweden, 22 (1): 1-18. <http://informationr.net/ir/22-1/paper736.html>
- Fathollahi, E. 2010. Family and education system: Family collaboration with educational system: why and how? Journal of transplantation, No. 366 and 367, pp. 17-16,]In Persian[
- Illanes, P., Law, J., Sarakatsannis, J., Sanghvi, S., and Mendy, A. 2020. Coronavirus and the Campus: How Can US Higher Education Organize to Respond?. Chicago, Illinois: McKinsey and Company.
- Peurach, Donald & David K. Cohen & Maxwell M. Yurkofsky, 2019. From Mass Schooling to Education Systems: Changing Patterns in the Organization and Management of Instruction, Review of Research in Education, 43 (1): 20-44. <https://doi.org/10.3102/0091732X18821131>
- Ravitch, D. 2010. The death and life of the great American school system. New York, NY: Basic Books.
- Shokoohi Yekta, M., & Parand, A. 2007. Home education replaces school education. Research Quarterly, Third Year, No. 10,]In Persian[
- Trujillo, T. (2014). The modern cult of efficiency: Intermediary organizations and the new scientific management. Educational Policy, 28, 207-232.
- UNESCO Learning Portal, 2020. Brief 3: Learning and Teaching Materials Paris.
- Ward, J. & Daniel, E., 2005, Benefits management: Delivering value from IS and IT investments, Wiley, Chichester.



Challenges and Strategies to Improve the Educational Management System in the Iran Legal System

Amirmahmood Amini
amirmahmoodamini@gmail.com

Abstract

This article, is tried to examine the challenges and strategies to improve the educational management system in the Iran legal system. In most cases, controlling the educational management process requires managing the educational activities of higher education institutions, especially education. The educational management system, despite all the advances which has made in recent years, faces many challenges. These challenges are largely rooted in the higher education system, the lack of systematic approaches to e-learning, and structural socio-political constraints. Accordingly, as necessary, there is a need for special training courses that have the maximum efficiency and effectiveness and contribute to the quality of educational activities. In fact, changing the structure of educational management requires looking for the causes of poor educational quality and paying attention to the developments of the global community, curricula tailored to the goals, needs and abilities of students, applying effective and modern teaching methods and combinations appropriate to today's technological society. Regulates and adapts educational programs to the needs of the labor market to successfully transform the educational structure. It is not possible to study the challenges of managing the education system in a one-dimensional way and solve it only by looking at the section and instructions, but this issue should be emphasized in the form of solutions based on legal laws and human rights.

Keywords

Challenges and solutions, Educational management system, e-learning, Iran legal system.